

رأی وحدت رویه شماره ۳۱ دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه های مدنی در دعاوی مطالبه وجوه مربوط به غیرمنقول ناشی از عقود و قراردادهای و غیر آن - مصوب ۱۳۶۳/۰۹/۰۵

رأی وحدت رویه شماره ۳۱ (□) - ۵/۹/۱۳۶۳

صلاحیت دادگاه های مدنی در دعاوی مطالبه وجوه مربوط به غیرمنقول

ناشی از عقود و قراردادهای و غیر آن

احتراماً، به شرح نامه های ۱۶۹ مورخ ۱۸/۱/۱۳۶۳ و ۶۴۹ مورخ ۲/۲/۱۳۶۳ و ۱۱۵۵ مورخ ۱۷/۲/۱۳۶۳ آقای رییس دادگستری قروه با ارسال دادنامه های ۶۲/۱۰۵۵/۱۸ مورخ ۲/۱۲/۱۳۶۲ / ۱۳۶۲ شعبه هیجدهم و ۱۰۸/۲۱ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۶۲ و شعبه بیست و یکم و ۲۳/۲۲ مورخ ۳/۱۱/۱۳۶۲ / ۱۳۶۲ شعبه بیست و دو و ۱۰۸/۲۱ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۶۲ و ۱۱۶۸ مورخ ۲۳/۱۲/۱۳۶۲ شعبه سوم و ۷۴ مورخ ۳۰/۱/۱۳۶۳ شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور اظهار داشته در موضوع واحد رویه های مختلف اتخاذ شده است تقاضای رسیدگی و اتخاذ رویه واحد نموده است اینک جریان پرونده ها و دادنامه های ارسالی به شرح ذیل گزارش می شود:

۱- در پرونده ۹/۱۹۷ تاریخ رسیدگی ۲/۱۲/۱۳۶۲ دادنامه شماره ۶۲/۱۰۵۵/۱۸ موضوع: حل اختلاف مرجع رسیدگی شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور چنین رأی داده است: خلاصه جریان پرونده: به تاریخ ۲۷/۸/۱۳۶۰ وزارت صنایع دعوایی به خواسته مطالبه حقوق دولتی و بهره مالکانه معدن سنگ واقع در شهر لارستان قروه به طرفیت شرکت سهامی خاص قنبر رحیمی تقدیم داشته شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران به استناد ماده (۲۳) آیین دادرسی مدنی به اعتبار صلاحیت دادگاه شهرستان قروه پرونده را به مرجع مزبور ارسال داشته و سپس دادگاه عمومی قروه به موجب ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی چون محل اقامت خوانده در تهران بوده قرار عدم صلاحیت صادر نموده و پرونده جهت حل اختلاف به این شعبه ارجاع گردیده هیأت شعبه به تاریخ فوق تشکیل شده است با توجه به محتویات پرونده مبادرت به اظهار نظر می شود باتوجه به مؤخرالتصویب بودن قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به قانون مدنی و ماده (۲۰) آن و محتویات پرونده قرار عدم صلاحیت صادره از دادگاه عمومی قروه فسخ می گردد مقرر می دارد دفتر، پرونده برای رسیدگی به دادگاه عمومی قروه ارسال دارند.

۲- در پرونده ۲۱-۳۵۰-۲۲ تاریخ رسیدگی ۱۶/۱۱/۱۳۶۲ شماره دادنامه ۱۰۸/۲۱ موضوع رسیدگی تشخیص صلاحیت مرجع رسیدگی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور و هیأت شعبه.

خلاصه امر- در مورخه ۱۰/۶/۱۳۶۲ آقای محمد کشوری به طرفیت اداره راه و ترابری استان کردستان به خواسته سیصد هزار ریال از بابت خسارت وارده بر اراضی مزروعی قریه عبالجوف دادخواستی به دادگاه عمومی سنندج تسلیم و در اثبات ادعای خود برگ فتوکپی سند رسمی ۰۸۷۸ مورخ ۲۴/۱۲/۱۳۶۲ تقدیم نموده و مدعی شده که به موجب سند مزبور صاحب نسق در قریه مذکور بوده سه قطعه مزروعی او را پیمانکار راه و ترابری استان فوق ضمن احداث جاده تخریب نموده است و خسارت نداده لذا صدور حکم به خواسته بالا با نظر کارشناس و هزینه دادرسی را خواستار گردیده است شعبه سوم دادگاه عمومی سنندج نظر به اینکه اراضی مذکور در حوزه قضایی شهرستان قروه بوده رسیدگی را به دادگاه قروه احاله نموده و دادگاه محال علیه نظر به اقامتگاه خوانده و موضوع خواسته که مطالبه خسارت مزین محسوب است از لحاظ صلاحیت محاکم به عنوان اموال منقول باشد ماده (۲۰) قانون مدنی و (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی به صلاحیت دادگاه عمومی سنندج قرار عدم صلاحیت خود را صادر کرده است و چون اختلاف در صلاحیت تحقق یافته پرونده به دفتر دیوان عالی کشور ارسال گردیده و رسیدگی به شعبه بالا ارجاع شده است هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل پس از قرائت گزارش آقای سیدغنی اردبیلی و اوراق پرونده مشاوره نموده و چنین رأی می دهند:

نظر به اینکه به شرح دادخواست و محتویات پرونده محل اقامت خوانده دعوی حوزه دادگاه عمومی سنندج تعیین گردیده و طبق ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی اصل صلاحیت دادگاهی است که خواننده دعوی در حوزه آن اقامت دارد و خواسته دعوی مطالبه خسارت وارده به اوست که مصداق دعاوی راجع به غیرمنقول موضوع ماده (۲۳) قانون مذکور را ندارد فلذا قبلاً با تأیید صلاحیت دادگاه عمومی سنندج مستنداً به بند «۴» ماده (۳۲) قانون تشکیل دادگاه های عمومی حل اختلاف می گردد و پرونده به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی سنندج فرستاده می شود.

۳- پرونده ۲۰/۳۵۱ تاریخ رسیدگی ۳۰/۱۱/۱۳۶۲ شماره دادنامه ۲۳/۲۲ مرجع رسیدگی شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور هیأت شعبه موضوع اختلاف در صلاحیت. خلاصه جریان پرونده - در تاریخ ۱۰/۹/۱۳۶۲ آقایان کریم مشیرپناهی و فرضعلی مشیرپناهی ساکنین قریه طهماسبقلی (پاسگاه دهکلان) به طرفیت اداره راه و ترابری استان کردستان مقیم سنندج و شرکت راهسازی روستایی ژاورود مقیم سنندج به نشانی دفتر فنی استانداری کردستان دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ دویست هزار ریال بابت خسارت زمین زراعتی و هزینه دادرسی به استناد فتوکپی مصدق سند رسمی اصلاحات اراضی و گواهی حصر وراثت به دادگاه های عمومی سنندج تقدیم داشته و توضیح داده اند که به موجب مستندات فوق زارع صاحب نسق قریه طهماسبقلی می باشیم که یک قطعه زمین زراعتی داریم که در شمال طهماسبقلی و درکنار راه عباسجوب واقع گردیده و سهم مختص اینجانبان است اما چندی قبل اداره راه و ترابری استان کردستان و شرکت ژاورود که مسؤول راهسازی روستاها می باشد به وسیله بولدوزر مقدار یک هزار متر زمین زراعتی اینجانبان را به جاده تبدیل کرده و مبلغ دویست هزار ریال خسارات وارد کرده اند چون دیناری بابت خسارت به اینجانبان پرداخت نگردیده لذا تقاضای رسیدگی و جلب نظر کارشناس و صدور حکم بر وصول خواسته داریم پرونده به شعبه سوم دادگاه عمومی سنندج ارجاع شده و دادگاه مرجوع الیه پس از تعیین وقت و دعوت طرفین و ابلاغ اوراق دعوی به خوانندگان و استماع اظهارات و توضیحات طرفین سرانجام به شرح قرار شماره ۶۱۰ مورخ ۱۹/۱۰/۱۳۶۲ به استدلال اینکه اراضی موضوع دعوی در حوزه دادگاه عمومی شهرستان قروه واقع است و رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه مرقوم است قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت رسیدگی دادگاه عمومی شهرستان قروه صادر و اعلام کرده پرونده را به آن دادگاه ارسال داشته است و دادگاه عمومی قروه نیز به شرح قرار شماره ۱۲۹۶ مورخ ۲۶/۱۰/۱۳۶۲ به استدلال اینکه خواسته دعوی مطالبه خسارت است که دین محسوب می شود و دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم اموال منقول به حساب می آیند ولو اینکه اصل مالی که موضوع دین است غیرمنقول باشد و روشن است که منظور از جمله (حقوق راجعه به غیر منقول) در ماده (۲۳) آیین دادرسی مدنی حقوقی از قبیل ارتفاق و انتفاع و وقف است نه مطالبه خسارات وارده به مال غیرمنقول و در رسیدگی به دعاوی اصل رد صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است خود را صالح به رسیدگی ندانسته و به استناد ماده (۲۰) قانون مدنی و ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه عمومی سنندج صادر و اعلام و به عنوان تحقق اختلاف در صلاحیت پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال داشته که به این شعبه ارجاع شده است اینک هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل است و پس از بررسی محتویات پرونده و مشاوره به شرح زیر رأی می دهد:

رأی - با توجه به اینکه موضوع خواسته خواهان مطالبه مبلغ دویست هزار ریال خسارت (بها) زمین زراعتی تبدیل به جاده شده ادعایی می باشد و چنین خواسته ای از مصادیق دعاوی راجع به غیرمنقول (اعم از مالکیت و حقوق راجعه به آن) موضوع ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی است بنا به مراتب با تأیید نظر دادگاه عمومی سنندج به صلاحیت دادگاه عمومی قروه حل اختلاف می شود.

۴- در پرونده ۳/۱۵/۳۴۳ شماره دادنامه ۱۱۶۸/۳ تاریخ رسیدگی ۲۳/۱۲/۱۳۶۲ موضوع رسیدگی تشخیص مرجع صالح مرجع رسیدگی شعبه ۳ دیوان عالی کشور هیأت شعبه - خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۱۰/۹/۱۳۶۲ بانو مولود طهماسبی به طرفیت اداره راه و ترابری استان کردستان و شرکت راهسازی روستایی ژاورود دادخواستی دایر به مطالبه مبلغ سیصد هزار ریال بابت تخریب جوی و زمین زراعتی و یونجه زار و خسارات دادرسی به دادگاه های عمومی کردستان تقدیم به استناد



رای وحدت رویه شماره ۳۱ دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه های مدنی در دعاوی مطالبه وجوه مربوط به غیرمنقول ناشی از عقود و قراردادهای و غیر آن - مصوب ۱۳۶۳/۰۹/۰۵

فتوکپی سند شماره ۱۴۵۵۱ تنظیمی در دفتر اسناد رسمی سندج و گواهی حصر وراثت تقاضای رسیدگی و صدور حکم محکومیت خواندگان را با جلب نظر کارشناس به خواسته مطروحه می‌نماید پرونده با انجام تشریفات قانونی در شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) سندج مورد رسیدگی واقع به شرح دادنامه شماره ۲۲-۶۴۷ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۲ چون دعوی مطروحه راجع به خسارات اراضی قریه پهماسبقی عنوان گردیده و قریه مذکور در حوزه قضایی دادگاه عمومی قروه قرار دارد مستنداً به ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت به اعتبار شایستگی دادگاه قروه صادر و پرونده به مرجع اخیر ارسال می‌گردد و یا وصول و طرح پرونده در دادگاه عمومی قروه در وقت فوق‌العاده مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۱ با توجه به اینکه در رسیدگی به دعاوی اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است و چون اقامتگاه خواندگان در شهرستان سندج قرار دارد به استناد ماده (۲۰) قانون مدنی و ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی به اعتبار صلاحیت دادگاه عمومی سندج قرار عدم صلاحیت صادر می‌گردد و نظر به حدوث اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه عمومی پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال برای رسیدگی به شعبه سوم ارجاع گردیده است.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای محمد ولی‌پور گودرزی عضو ممیز و اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد: نظر به اینکه خواسته دعوی مطالبه خسارات وارده به خواهان عنوان گردیده موضوع منصرف از ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی که ناظر به دعاوی راجعه به غیر منقول است می‌باشد فلذا با اعلام صلاحیت دادگاه عمومی سندج مقرر می‌دارد پرونده جهت رسیدگی به مرجع مزبور فرستاده شود.

۵- در پرونده ۱۳۶۵/۲۳/۱۳ دادنامه ۷۴/۱۳ تاریخ رسیدگی ۳۰/۱/۱۳۶۳ مرجع رسیدگی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور هیأت شعبه موضوع اختلاف در صلاحیت. خلاصه جریان پرونده: در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۶۲ آقای حسن آزادپور ساکن قریه عباسجوب دادخواستی به طرفیت اداره راه و ترابری استان کردستان به خواسته مطالبه مبلغ دویست هزار ریال و خسارات بابت تخریب کشت گندم به استناد نظر کارشناس به دادگاه عمومی قروه تقدیم نموده که دادگاه مذکور به استدلال اینکه خواسته دعوی وفق ماده (۲۰) قانون مدنی در حکم منقول است و اقامتگاه خوانده شهرستان سندج تعیین شده لذا به استناد ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت خود را به شایستگی رسیدگی دادگاه عمومی سندج صادر نموده و شعبه ۴ دادگاه عمومی سندج نیز به استدلال اینکه ماده (۲۰) استنادی دادگاه عمومی قروه ناظر به دیون است نه دعاوی راجع به اموال غیرمنقول و قابل تفسیر موسع نیست و عدم ارتباط دعوی مطروحه با ماده (۲۱) استنادی آن دادگاه با توجه به ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد دعاوی راجع به غیرمنقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجع به آن باید در دادگاهی اقامه شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است اگرچه مدعی و مدعی‌علیه هم در آن حوزه مقیم نباشند به اعتبار اینکه دعوی مطروحه راجع به غیرمنقول در ماده اشعاری تخصیصی به آن وارد نشده و با لحاظ تسهیل در رسیدگی به موضوع در محلی مال غیرمنقول در آنجا واقع است و اشاره به سایر جهات قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار شایستگی دادگاه‌های عمومی قروه صادر و به لحاظ تحقق اختلاف پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده اینک هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل شده است با مطالبه محتویات پرونده مشاوره نموده به شرح زیر رأی می‌دهد:

رای- با توجه به مندرجات دادخواست و نحوه خواسته خواهان که مطالبه خسارت در مورد تخریب محل کشت گندم است و به عبارت اخیری خواسته راجع به غیرمنقول است که در حوزه قضایی دادگاه عمومی قروه قرار دارد لذا به استناد ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه اخیرالذکر صلاحیت رسیدگی دارد بنا به مراتب با تأیید استدلال دادگاه عمومی سندج به صلاحیت دادگاه عمومی قروه در رسیدگی به موضوع حل اختلاف می‌شود.

نظریه: همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید از شعب دیوان عالی کشور در موضوع واحد آرای متهافت و مختلفی صادر گشته است که به استناد قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ تقاضای طرح در هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد را دارد.

معاون اول دادستان کل کشور- حسن فاخری

به تاریخ روز دوشنبه ۱۳۶۳/۹/۵ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس شعبه دوم و قائم مقام ریاست محترم دیوان عالی کشور و با حضور دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران و اعضای معاون شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده دادستان محترم کل کشور مبني بر: «با توجه به اطلاق ماده (۲۳) آیین دادرسی مدنی و با توجه به روح قانون و فلسفه آن که عبارت از احقاق حق به اعتبار سهولت جمع ادله به ماده ۲۱ تخصیص وارد شده و با توجه به الغای خصوصیه و فارق از موارد عدیده مستثنی از ماده (۲۱) رأی شعبه ۱۳ و ۲۲ دیوان عالی کشور تأیید می‌شود و چون رأی شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور ربطی به موضوع مطروحه ندارد و اکثریت اعضای هیأت عمومی آن را مردود دانسته لذا گزارش مربوط به آن از کل گزارش مطروحه حذف می‌شود». مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند:

رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول موضوع ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی (□) در دعاوی راجعه به غیرمنقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجعه به آن) حتی در صورت مقیم نبودن مدعی و مدعی‌علیه در حوزه محل وقوع مال غیرمنقول استثنایی بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده موضوع ماده (۲۱) قانون فوق‌الاشعار می‌باشد و با عنایت به اینکه با تعاریفی که از اموال غیرمنقول و اموال منقوله در مواد (۱۲) الی (۲۲) قانون مدنی (□) به عمل آمده از ماده (۲۰) آن چنین استنباط می‌شود که قانونگذار بین دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیرمنقول ناشی از عقود قراردادهای و دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیرمنقول و نیز اجرت‌المثل آن در غیر مورد عقود و قراردادهای قائل به تفصیل شده و دعاوی قسم اول را منطوقاً از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعاوی قسم دوم را مفهوماً از دعاوی راجعه به غیر منقول دانسته است که نتیجتاً دعاوی اخیرالذکر تحت شمول حکم ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی قرار می‌گیرد بنا به مراتب در اختلاف نظر حاصله بین شعب ۳ و ۲۱ دیوان عالی کشور از یک طرف و ۱۳ و ۲۲ دیوان عالی کشور از طرف دیگر احکام صادره از شعب ۱۳ و ۲۲ که در مسیر استنباط مذکور قرار دارد مورد تأیید می‌باشد این رأی برطبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌التابع است.

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات - معاونت حقوقی ریاست جمهوری (Qavanin.ir)

